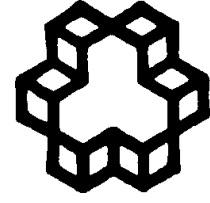
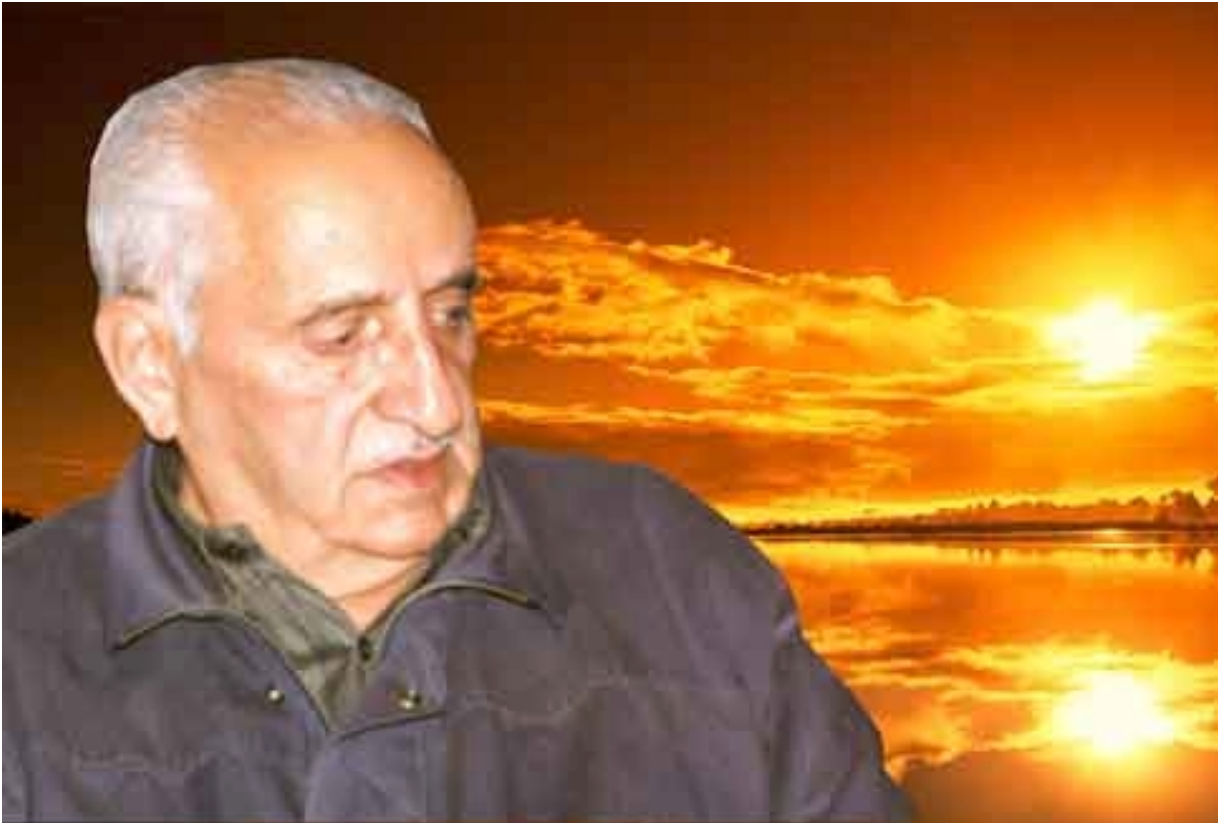


چاغرى ١



دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

نشریه علمی - ادبی ، اجتماعی ، فرهنگی - سال اول - شماره ١



KÖNLÜMÜZDƏSƏN

بو ساییمیزدا

- از فرمایشات مقام معظم رهبری ۳
- چاغری نین سسی ۳
- شرف دست همین بس ۳
- حفظ زبان ترکی عزم ملی می طلبد ۴
- پاسداشت ۷۹ سال مجاهدت فکری ۵
- ساوالان ، تانری داغیم ۸
- خنیگران عشق ۹
- ویژه نامه دومین ساگرد درگذشت پروفیسور ذهتابی :
۱۰ - ۱۳
- گؤز یاشیندا قهقهه لر ۱۰
- چاغیمیزین دده قورقودو ۱۱
- تبریز گؤروشو ۱۲
- آنا دیلیمیزی اؤیره‌نمگی اؤزومه بیر وظیفه بیلدیم ۱۳
- بارتولد و تاریخ ترکستان ۱۶
- میللی و ادبی شاه اثریمیز ۱۷
- شعر باغچاسی ۱۹
- مسابقه علمی ۲۱
- یک ماه با جراید آذربایجان ۲۱
- این ارک بلند تبریز من است !!؟ ۲۲
- مناجات ۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

تأسیس ۱۳۰۷

نشریه دانشجوئی علمی، ادبی، اجتماعی، فرهنگی

چاغری

دانشجویان آذربایجانی

دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

شماره : اول

۱۳۷۹

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

ارکین موسوی

نشریه تحت نظارت شورای سردبیری میباشد.

آدرس پستی موقت :

خ ولیعصر ، بالاتر از میدان ونک ، تقاطع

میرداماد ، خوابگاه ولیعصر ، واحد ۹ ،

نشریه دانشجوئی چاغری

آدرس الکترونیکی :

CHAGHRI@YAHOO.COM

صفحه آرا و ویراستار : ایلقار مردنلی

همکاران این شماره :

مهندس حسن راشدی ، احد دشتی ، علیرضا فتح‌اله‌زاده ،
طاهر فتح‌اللهی‌مرنی ، سیدشهریار موسوی ، رحیم
میرزائی ، محمد جعفرینام ، حسن مسروری ، ناصر
جعفری ، زرین نعمت

چاغری در اینترنت:

<http://azbilton.com>

بیر سیرا شخصیلر میلی و قومی دویغولاری قالدیرماقلا ، اسلامی و دینی بیرلیگیمیزی پوزماق ایسته ییب ، ” فارس دیلی ، اولکه میزین بیرلیک عامیلی دیر “ خولیاسینا اوغراشیرلار. سؤز-سوز ؛ اونلار منیم چالیشمالاریمین یوزده بیرینی فارس دیلی حاقیندا ائتمه میش و ائتمه یه جگر! ایران اولکه سی میلیتی نین بیرلیک عامیلی فارس دیلی دئییل ؛ بیرلیک عامیلیمیز یالنیز [ویالنیز] ” اسلام دینی “ - دیر ؛ دئمک انقلاب و عزیز اسلامی قورتولوشوموزدا آرتیق گؤزه چارپان دین. بونلارین نتیجه سینده ؛ تورک دیلی و طنداشلاریمیز اؤز دیللی ایله ، ” آذربایجان اویاقدی انقلابا دایاقدی “ سؤیله ییرلر.

انقلاب رهبری خامنه ای حضرتلری (مدظله العالی)

چاغری نین سلسی :

اوزون ایلر سوره سینده منحوس په لوی رژی می نین
” ایرانلیق یعنی فارسلیق “ شوم سیاستی نتیجه سینده
أریمه ییب، آرتیق گونو - گوندن انکشافا اوغرایان دیلیمیز،
ایتیریلمه یین وارلیغیمیز ؛ اویغار و مدنیتیمیزین کؤکو
اولماسی نین گؤسترچی سی دئییل می ؟
اسلامی انقلابیمیز اوغور قازاناندان بری ؛ گتیردیگی
نسبی دیل و مدنیت آزادلیغی نتیجه سینده آنا دیلیمیزده
چیخان چئشیدلی کیتابلار ؛ درگی لر ؛ هفته لیکر ؛
دیلمیزین ایره لله مه سینده اؤنملی رول اوینامیش سادا ؛
سؤز سوز بوگلیشمه ده میللتیمیزین میلی شعورو
گوجونون اویانیب ، آرتماسینی هئچده انکار ائتمک
اولماز.

میلی شعورون اویناماسی ؛ میلی هویتی آختارماقلا تام
گئرچک معنایا دولار. آنجاق بیزایسه میلی کیملیک
آختاریشیندا تعصب و احساس پروسه لرینی آرخادا
قویمالی ؛ آنسی و اوزونو ، بیلک و دوشونجه ایله
بویلانمیش بیر گله جه یه آدیم آتمالی ییق.

هر بیر شعورسوز مؤوجود چئشیدلی پروسه لری
کئچیریب ، یئتکین لشدیگی کیمی ، دوشونون
آیدینلاریمیزین دا یئتگین لشمه سی ؛ یاشلاریندان اؤنجه ،
بیلیم و میلی شعور ایله باش توتمالی دیر.

آیدین صاباها آدیم آتیب ، میللتیمیزین سوسیال و
کولتوره ل . . . چتین لیک لرینی چؤزمک اوچون درین
دوشونجه و تفکوره مالیک اولمالی ییق.

امینیک کی بو گون ” آذربایجان گنج آیدینلاری “
سوروملومدیر .

شرف دست همین بس که نوشتن با اوست!

از دل و دیده گرامی تر ، آیا هست ؟
- دست ،

آری ، ز دل و دیده گرامی تر ؛
دست !

زین همه گوهر پیدا و نهان در تن و جان،
بی گمان دست گرانقدرتر است

شرف دست همین بس که نوشتن با اوست
وه ، چه نیروی شگفت انگیزی است ،

دست هایی که به هم پیوسته است !

به یقین ، هر که به هر جای در آید از پای
دست هایش بسته است !

دست در دست کسی ،

یعنی : پیوند دو جان !

دست در دست کسی ،

یعنی : پیمان دو عشق !

دست ، گنجینه مهر و هنر است :

خواه بر پرده ساز

خواه بر گردن دوست

خواه بر چهره نقش

خواه بر دنده ی چرخ

خواه بر دسته ی داس

خواه در یاری نابینائی

خواه در ساختن فردائی !

آنچه آتش به دلم می زند ، اینک هر دم

سرنوشت بشرست ،

داده با تلخی غم های دگر دست به هم !

بار این درد و دریغ است که ما

تیرهامان به هدف نیک ریده است ، ولی

دست هامان ، نرسیده است به هم !

فریدون مشیری

حفظ زبان ترکی عزم ملی می طلبد

کیان صفری

آذربایجان و هویت ملی آذربایجانی وارد آورده است، و هم اینک نیز افرادی با تاسی به آن متدهای چرکین آشکار و پنهان حقوق انسانی مان را مخدوش و پایمال می کنند، غیر قابل انکار است ولی به راستی آیا باید تمامی نقصهای معلوم و مجهول بر پای شونیسیم نوشته شود؟ مگر قبل از پدید آیی و ظهور پان فارسیسم نیاکان و اجداد ما کم تقصیر داشته اند؟! ... تاریخ عرصه و صحنه برخورد فرهنگ ها و تمدن هاست. تمدن ها مدام با همدیگر در تبادل بوده و گاهی نیز با همدیگر مجادله داشته اند. آنهایی که قوی بوده اند، هستی خویش را حفظ کرده و میراث خود را به نسل های دیگر سپرده اند و آنهایی که ضعیف بوده اند، از صفحه تاریخ و روزگار پاک شده اند. ملت‌هایی که از غنای فرهنگی برخوردار بوده اند در رویارویی با مشکلات و معضلات عاجز و ناتوان نبوده اند. خلاق، مبتکر و تلاشگر بوده و در برابر ناملایمات و نابسامانیها هرگز خود را نباخته اند. آیا ما نیز چنین هستیم؟

همه ما نسبت به زبان مادری، آداب و رسوم و موسیقی خویش علاقه ای وافر داریم و به آنها عشق می ورزیم، ولی آیا واقعاً صرف داشتن این عشق و علاقه کافی است. چه بسا تک تک ماها از زوال و هلاکن زبان مادری مان اظهار تأسف می کنیم و چه بسا وقتی در مراسمی موسیقی آذربایجانی نواخته می شود و یا شعر دلنشین ترکی خوانده می شود، اشک شوق در گوشه چشمانمان حلقه می شود، و آیا این به تنهایی کافی است. نه آن اظهار تأسف و نه این اظهار شوق هر چند که بیانگر نیکوترین احساسات و عواطف ماست، هیچکدام

نیستیم و از نوشتن و نگارش آن عاجزیم. این فاجعه ای ملی است. اگر زبان چکاد و قله فرهنگ و جام اندیشه است، و اگر زبان واسطه ای برای شناسایی و درک نژاد و هویت ملی ملت هاست، با این وضع انصافاً آیا ما حق داریم از فرهنگ آذربایجان و مدنیت خویش دم بزنیم؟ آیا ما با در نظر گرفتن وضع موجود روند استحاله و از خود بیگانگی را نمی پوییم؟

ادعاهایی از قبیل اینکه ما ۳۰ میلیون هستیم و از نظر تاریخی قدمتی ۷ هزار ساله داریم و منکرشان نیز نمی توان بود، اگر چه غرورآفرین هستند ولی آیا در خود واقعیتی تلخ و جانکاه نهفته ندارند؟ آیا هر انسان واقع بین و آگاهی از خود نمی پرسد که این ۳۰ میلیون چگونه ۳۰ میلیونی است که ابتدایی ترین حقوق انسانی خود را حائز نیست و چه بسا اغلب به این حقوق پایمال شده شان واقف و آگاه نیز نیستند؟! روز بروز بر تعداد کسانی که به فرزندانشان زبانی به غیر از زبان مادریشان می آموزند، و به سادگی دانسته و ندانسته بر هویت ملی و هستی خویش چوب حراج می زنند، افزوده می شود و زبانی که عامه مردم ما آن را به کار می گیرند، به سختی و زحمت زبان ترکی می توان نام نهاد. با این وضع دورنمای آینده مان چگونه خواهد بود؟

وقتی دردهای فرهنگی جامعه مان را در ذهن مرور می کنیم، اغلب اقدامات شونیسستی را عامل تمامی بدبختیهای خویش تصور می کنیم، اینکه در دوره رژیم پهلوی، شونیسستها با شیوه های ضدانسانی ضربات سهمگینی بر پیکر فرهنگ و اقتصاد

هیچکدام از ما با مرگ هیچ کس و هیچ چیزی خشنود نمی شویم. چون از زندگی سرشاریم، جوای پویایی و سرزندگی هستیم. در حیات روزمره خویش در تلاشیم تا مرگ خویش را به تأخیر بیندازیم و در این رهگذر چه کارها که نمی کنیم. در تنهایی هایمان اگر فکر مرگ به سراغمان می آید، موی بر انداممان سیخ می شود. اگر مردن پرنده ای غم انگیز و از دست رفتن انسانی تأسف انگیز است، به راستی مردن ملتی دهشتناک و هولناک نیست؟

ملت ها به دلیل داشتن اراضی وسیع، معادن و منابع سرشار، جنگل های سرسبز و رودخانه های پرآب زنده نیستند و حتی فزونی جمعیتشان نیز دلیلی بر زنده بودن آنها نمی تواند باشد. از منظری دیگر منتسب شدن به تاریخی کهن نیز به تنهایی دلیلی بر زنده بودن ملتی نیست.

چه بسا ملت‌هایی که در زمان های پیشین تمدن‌هایی درخشان برپا نموده اند و اکنون هیچ اثری از وارثان آنها نیست. به سخن دیگر اگر تاریخ پرشکوه ملتی در رفتار، کردار و اندیشه وارثان آن متجلی نشود و اگر تاریخ عبرت انگیز و درس آموز نباشد، نقش و خیالی بیش نخواهد بود!

فرهنگ یعنی آن بخش از دستاوردهای معنوی ملت ها، چه صورت مکتوب و چه صورت نانوشته آن عامل مهم پویایی و بالندگی ملت ها به شمار می آید و بی شک در این میان زبان به عنوان وسیله انتقال فرهنگ نقشی بارز و برجسته دارد. در آغاز هزاره جدید اکثریت قریب به اتفاق ما زبان مادریمان را - علیرغم آنکه سومین زبان زنده و با قاعده دنیاست - بلد

اساتید دانشگاه ، دانشجویان ، نویسندگان ، معلمین ، دانش آموزان ، هنرمندان و در کل ، اقشار تحصیلکرده جامعه بیش از دیگران مکلف هستند. و صد البته که درخواست اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی نیز باید همچنان در سرلوحه خواسته‌هایمان باشد. اگر امروز تحصیل و فراگیری زبان مادری برای بچه‌هایمان در سر کلاس های درس ممکن و میسر نیست ، شاید این کار را با قدری اهتمام و تلاش از خانه های خود می توان شروع کرد که در این صورت هر خانه ای مدرسه ای خواهد بود و این امری محال و غیرممکن نیست.

نوید آذربایجان سه شنبه ۲۶ مهر
۱۳۷۹ سال سوم شماره ۱۰۲

است؟ زبانی که در زندگی روزمره خود آن را به کار می گیریم بیش از ۸۰ درصد کلمات آن از زبانهای دیگر بوده و اغلب با دستور زبانی غلط و مغشوش ارایه می شود. بدیهی است در صورت ادامه چنین روندی زوال و نابودی زبان مادری ما قطعی و حتمی است. برای مقابله با چنین روندی چه باید کرد؟ در حالیکه اصل ۱۵ قانون اساسی به هر دلیل موجه و غیر موجه به اجرا گذاشته نمی شود ، در این صورت تکلیف چیست؟ اگر نابودی زبان ترکی درد مشترک ماست ، با این حال به نظر می رسد که حفظ زبان ترکی در شرایط کنونی عزم و اراده ای ملی می طلبد. به طوری که در این میان همه و همه باید احساس مسؤولیت و وظیفه بکنند. پر واضح است که در این راستا

به تنهایی کافی نیستند. این احساس ، هیجان ، شوق و علاقه باید و باید در عمل خود را نشان دهد. برخی ها علت عدم تلاش خود برای فراگیری - خواندن و نوشتن - زبان ترکی را نبود ضرورت آن ذکر می کنند. به این معنی که چون زبان ترکی مثابه زبان فارسی زبانی رسمی نبوده و در زندگی روزمره در مکاتبه با ادارات و سازمانهای مختلف نقش ویژه ای ندارد ، لذا برای یادگیری علمی و اصولی آن ضرورتی نیز احساس نمی شود. شاید این خطرناک ترین طرز تلقی باشد. رسمی نبودن هیچ زبانی دلیلی برای حذف آن نمی تواند باد. اصولاً وقتی زبان با هویت ما در ارتباط بوده و اثباتگر وجود ماست ، مگر ضرورتی مهم تر از این نیز قابل ذکر

پاس داشت ۷۹ سال مجاهدت فکری به یاد بنیان گذار روابط عمومی نوین ایران

مهدی باقریان

مدیر روابط عمومی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

تشکیل دوره های آموزش کوتاه مدت در زمینه روابط عمومی پرداخت. بعد از انقلاب فرهنگی شهید دکتر حسن عضدی که به ریاست مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی منصوب شده بود از دکتر نطقی دعوت کرد تا ریاست دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی را عهده دار شود و نطقی تا سال ۶۲ به این سمت باقی ماند.

وی از معدود استادانی بود که هنگام تجدید نظر در دوره کارشناسی رشته علوم و ارتباطات بدون هیچ چشم

رشته حقوق به دانشگاه راه یافت و درجه دکترای خود را در این رشته از دانشگاه استانبول ترکیه دریافت کرد. وی اولین فعالیت خود در زمینه روابط عمومی را با ورود به شرکت ملی نفت ایران آغاز کرد و روابط عمومی نوین را در همین شرکت پایه گذاری کرد. هم زمان با راه اندازی مؤسسه عالی مطبوعات در روابط عمومی و سپس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی به عنوان مدرس ، تجربیاتش را به دانشجویان منتقل کرد و با شروع انقلاب فرهنگی در دانشگاهها به

در تیرماه سال گذشته در یک بعداز ظهر فوق العاده داغ و گرم تابستان این خبر تلخ منتشر شد: " دکتر حمید نطقی پدر و بنیان گذار روابط عمومی نوین ایران در بیمارستان ناتینگهام انگلستان به علت بیماری و کهولت سن درگذشت."

دکتر حمید نطقی در سال ۱۲۹۹ در شهر تبریز به دنیا آمد و پس از گذراندن سالهای اول تحصیل، در

برای اثرگذاری باشند و از اشتباهات خود و دیگران، درس بگیرند.

۶- راست گویی:

دکتر نطقی معتقد بود که راست گویی به هیچ جا ضرر نمی رساند. وظیفه روابط عمومی این نیست که تمام ارقام را قشنگ نشان دهد. دکتر نطقی دروغ گویی و تحریف داده ها و اطلاعات را کار روابط عمومی های جهنمی می دانست.

۷- آموزش:

دکتر نطقی معتقد بود با توجه به شرایط اجتماعی و سازمانی و فرهنگی، برنامه آموزش روابط عمومی نمی تواند ثابت باشد بلکه باید در حال تغییر و دگرگونی باشد. به باور او اگر آموزش روابط عمومی منطبق بر نیازهای جدید نباشد و درست برگرفته از الگوهای غربی باشد، طبیعی است که جواب نمی دهد.

یکی از فعالیت های قابل توجه دکتر نطقی در زمینه روابط عمومی، ارزیابی کامل انطباق برنامه های آموزشی روابط عمومی با نیاز روز و شرایط جامعه است که در کتاب "مدیریت و روابط عمومی" وی تبلور یافته است.

بنابراین دکتر نطقی، روابط عمومی را با نگرش علمی، روان شناختی و جامعه شناختی به عموم مردم شناساند به طوریکه به تربیت نیروهای جوان، خوش فکر و مردم دوست، جهت آموزش روابط عمومی همت گماشت.

۸- مدیریت:

چرا نخستین کتاب روابط عمومی پیرامون دانش "مدیریت" به نگارش درآمده است؟ آیا دکتر نطقی آگاهانه دست به تألیف و نگارش این کتاب زد؟ و یا از روی صدفه و اتفاق بوده است؟ البته پاسخ این سوال روشن است. با این حال باید اعتراف کرد که دکتر نطقی با آگاهی از این مسئله که روابط عمومی علم مدیریت است عزم را جزم کرد تا کتابی تألیف نماید که از هر حیث جامع و کامل باشد. دکتر نطقی در این کتاب، پس از بررسی

جزم کردم و در جستجوی راه حلی برای تدریس و تعمیم روابط عمومی سالم و پاسخ گوی نیازهای جامعه ها و متکی به فرهنگ خود از پیای نشستیم."

۲- علم و هنر:

دکتر نطقی اعتقاد داشت تکنیک و دانش روابط عمومی برای جامعه بشری لازم و ضروری است و از این جهت یک روابط عمومی باید سیستماتیک، علمی و از روی دانش و تخصص باشد.

اما در عین حال هنر است. برخی کسانی که علم روابط عمومی را ندانسته اند، توانسته اند با هنرمندی و ذوق، خطاهایشان را در این باره بپوشانند.

اصولاً فردی که در روابط عمومی کار می کند، باید استعداد داشته باشد و ارتباط گر ورزیده ای باشد و با همگان بخوبی بجوشد.

۳

- عشق:

دکتر نطقی در آثار خود تصریح می کند که کار روابط عمومی، کار اداری معمولی و کار آدم های معمولی نیست. آدم باید عشق و علاقه ای خاص داشته باشد تا بتواند در این زمینه کار کند.

۴- منافع عمومی:

از نظر دکتر در یک روابط عمومی حقیقی، چون کارها ابتکاری است کارها را با توجه به زمان مناسب انجام می دهد و ملاحظه "عامه" را می کند. در روابط عمومی باید طرف مردم را گرفت. روابط عمومی اگر پایه اش احساس وفاداری و مردم داری و قدردانی باشد، موفق خواهد شد.

۵- اثر گذاری:

به اعتقاد دکتر نطقی روابط عمومی ها، باید همیشه به دنبال راه های تازه

داشتی، سرفصل دروس تخصصی شاخه روابط عمومی را نوشت و نظرات خود را در این زمینه تدوین کرد و حتی به تدریس آن دروس پرداخت.

دکتر حمید نطقی، علاوه بر تدریس به زبانهای فارسی، ترکی، عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و اسپانیولی احاطه کامل داشت و نیز به تدوین اولین کتاب در زمینه روابط عمومی بانام "مدیریت و روابط عمومی" پرداخت که در سال ۴۹ از طرف انتشارات دانشکده علوم ارتباطات انتشار یافت.

آرا و اندیشه های دکتر نطقی

دکتر نطقی در زمینه های تاریخ، ارتباطات، روابط عمومی، علوم سیاسی، ادبیات و شعر (به ویژه شعر ترکی آذربایجانی) دارای اطلاعات جامع و ذوق و قریحه خاصی بود که در همه آن ها خط مشی فکری خاصی را دنبال می کرد. دکتر نطقی دارای تکیه گاه فکری فیلسوفانه بود که در همه آثار و نوشته هایش این خط فکری دنبال می شود. او سعی می کرد به مدد توانایی و قریحه و دانش وسیع خود، پایگاهی بسازد که در طی راه آرمان یابی تغییر مسیر ندهد.

۱. تدوین اصول علمی متکی بر

فرهنگ بومی:

دکتر نطقی در تدوین اصول علمی روابط عمومی به آثار نیاکان و نامداران این مرز و بوم توجه خاصی مبذول داشت. او در یکی از خاطرات خود در این باره چنین می گوید: "... نخست از کتاب های مربوط به این حوزه چند جلدی تهیه کرد، سپس حاصل خواننده های خود را با آثار نیاکان و نامداران کشورمان سنجیدم و این ترکیب را سخت پسندیدم، لکن همواره نگران فسادپذیری

آن بودم. با این اندیشه در هفت - هشت سازمان خارجی بزرگ که به مطالعه و علاقه آن دست یافتم، عزم

سیر تاریخی تکامل فنون مدیریت، پیدایش تفکر روابط عمومی را از درون مدیریت مورد مطالعه قرار داد. دکتر نطقی مسأله ارتباط مدیریت با روابط عمومی را در زمینه بسیار گسترده ای مطرح می کند که امروزه در رأس همه چالش های روابط عمومی ایران قرار دارد و آن تعیین چگونگی روش اداره روابط عمومی و سازمان به موازات اصل مهم "پاسداری از منافع عمومی" و "راست گویی" است. او نشان داد روابط عمومی، علم مدیریت و آموزنده تعلق و پاسدار شخصیت و شرف انسان در مقابل کجروی ها و اجحافات است.

از دوره ای که دکتر نطقی تمایل برخی اشخاص را به پنهان کاری احساس کرد و دید که فساد، اغلب زیر این پرده آشیان می گیرد و تاریکی شب بهترین یار و یاور راهزنان است، به فضایل آنچه بعدها "شفافیت" نام گرفت بسیار اندیشید. هر چند که در عمل کجروی های زیادی بر آن عارض بود، اما در افزارهای نامی مدیریت، "روابط عمومی" را کلید حل مشکلات شناخت.

۹- اخلاق حرفه ای :

اخلاق حرفه ای دکتر نطقی در دو زمینه نمود عینی داشت، یکی در کلاس درس و برخورد با شاگردانش و دیگری در صحنه عمل سازمانی و اجتماعی که بسیار حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، توأمان کردن اخلاق نظری (قواعد و مقررات) و توصیه آن به اطرافیان که در حقیقت، شامل در نظر گرفتن حقوق مخاطبان و دانشجویان می شود به همراه "تعهد" که در قالب پایبندی و رعایت قواعد و

مقررات مذکور (اخلاق عملی) شکل می گیرد، از مشخصه های بارز الگوی روابط عمومی دکتر نطقی است. او با اخلاق سوداگرانه میانه خوبی نداشت و قواعد کلی رفتار او متمایل به منافع عمومی بود نه سود و نفعی که در این رهگذر ممکن بود نصیبش بشود.

بهرحال دکتر نطقی، از یک طرف به برانگیختن مشارکت آزادانه و از روی میل افراد توجه داشت و از طرف دیگر، با جدیت مدافع حقوق دانشجویان و مخاطبان و افراد جامعه بود. او در عرصه زندگی حرفه ای و اجتماعی و سازمانی بسیار اخلاقی بود و درصدد بود تعهد اخلاقی را از سیطره سود، ترس و جهل برهاند و نجات دهد. دکتر نطقی در تلاش بود اصولی بنا نهد که در آن از قیود بی هنجاری، خود سانسوری و نفع فردی، خود خواهی، پارتی بازی، ترجیح کار نزدیکان و آشنایان به سایر مردم و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران خبری نباشد. تمامی این شواهد و اشاره ها بیانگر تعهد اخلاقی دکتر نطقی در عرصه فعالیت های اجتماعی و سازمانی است.

۱۰- مردم داری و صداقت :

دکتر نطقی، چنان که از نوشته هایش و نیز شارحان احوالش گواهی می دهند، متفکری "مردم دار" بود، ولی مردم داری او مترادف با "طرف مردم را گرفتن" بود. دکتر نطقی معتقد بود ما در روابط عمومی باید طرف مردم را بگیریم به گفته دکتر نطقی، کاری که او و همکارانش سالها انجام دادند هدفش این بوده از آن روابط عمومی جهنمی که وظیفه ای جز "وارونه نشان دادن حقایق" ندارد در

ایران وجود نداشته باشد. او بر این باور بود کمی راست گویی به هیچ جا ضرر نمی رساند. از نگاه دکتر نطقی، وظیفه روابط عمومی تربیت مدیر است که تمام ارقام را قشنگ نشان ندهند و حقایق را به اطلاع مردم برسانند.

در واقع دکتر نطقی درصدد بود "روابط عمومی"، و "مردم داری" را با هم ممزوج کند، چون خود او، هم مردم سالار بود و هم، فلسفه وجودی روابط عمومی را پاسداری از منافع عمومی می دانست.

پایان سخن :

همانطوری که از آثار و دست نوشته های دکتر نطقی استنباط می شود، لزوم تدوین و تنظیم معارف و اصول روابط عمومی مبتنی بر عنصر "مدیریت" از اولویت خاصی برخوردار بوده و ضرورت پیوستگی این دو دانش را بخوبی احساس می کرده است. دکتر نطقی در این عرصه با نگارش کتاب "مدیریت و روابط عمومی"، به مسایل آموزشی و تخصصی روابط عمومی توجه خاصی مبذول داشت و با تکیه بر علم مدیریت، اصول حرفه ای روابط عمومی ایران را به سبک نوینی اساس گذاری و پی ریزی کرد.

بالاخره دکتر نطقی با لحاظ اهمیت نقش مدیریت و پیوستگی آن با روابط عمومی، در جستجوی راه حلی برای تدریس و تعمیم روابط عمومی سالم و پاسخ گوی نیازهای جامعه و متکی بر فرهنگ خودی بود. روانش شاد و یادش گرامی باد.

ساوالان تانری داغیم

بیر گون گله جک ، بوتون یوللار ، داغلار سلطانی ؛ داغلار آناسی ساوالان داغینا گنده جک . بیر گون گله جک ساوالان میلیون - میلیون انسانین زیارت معبدی ، آند یئری ، اینانج قاینای اولا جاقدیر ؛ چونکی ساوالان اولودور ، اولمز دیر ، ساوالاندا یاتانلارین روحلاری اولمز دیر! میلیون - میلیون انسانلاریمیز او روحلاردان روح آلاق . ساوالان آذربایجانین گویلردن نور آن تاجیدیر!

مین اوزونده ن سوووشورام ،
گلدیم ، سنه قووشورام
دورولورام ، دورولورام

من بو دونیانین اوزونده ن ،
ساوالانیم ، تانری داغیم
قووشدوقجا دورولورام

گۆی سودان دورو گول اولورام
خییالدان یونگول اولورام

گۆز اوزونده ن ، عطیرلری
بولوددان ، قوشدان قانادلی



خاقانی شیروانی آذربایجانین داهی متفکر و شاعیری و اورتا عصیر شرق انقلابی نین زهره اولدوزو ، ۱۱۵۱ - اینجی ایلده خراسان زیارتینه گنده رکن اردبیلده اولموش ، شهرین یاخین لیغیندا کی ساوالان داغی نی گوروب ، طبیعی گۆزهللیگی و عظمتی ایله حیرته اوغراشمیشدیر .
مقدس داغین معبد و مسکن لرینه ، غیر عادی محتشم لی بینه ، جاذیبه دار طبیعی منظره لرینه مفتون اولان شاعیر ” ساوالان داغی “ شعیرینده ساوالانی حاق یولو ، سعادت و عدالت قیبله سی کیمی قلمه آلمیشدیر :

کامالدا کعبه تک قازانیب شؤهرت
چونکی ائحرام توتان گئیر آغ خلعت

سعادت قیبله سی ساوالان داغی
کعبه یاشیل گئینیب ، آغ بورونور او

اوج ایلدیر چکیره م گورمه یه حسرت
چونکی داغلار آناسی دیر ، ساوالان داغیم .

بیر یئرده او خودوم فضیلتیندن
گتدیم کی ، باشینا دولانیم اونون

خنیگران عشق

ایلقار مرندلی

وقتی که صدای عاشق پیر با زخمه سازش هم آوا می‌شود، دیگر در پهنه مضمون آدمها کسی نیست تا به خود فکر کند. همه با آواز و ساز او، تا بی‌نهایت همسفر می‌شوند. با دردها و غربت‌هایش از سین کیانگ تا دربند، رها از بند تن و تنهایی به میان قرنهای اندوه و غم می‌روند و وقتی شور آواز به اوج می‌رسد، قطره اشک‌هایی است که از گوشه تنگ گونه‌ها، راه به بیرون پیدا می‌کند. بیاد دده قورقود و دمرولش، کور اوغلو و هجرش، اصلی و کرمش.

هر فراز و فرود عاشیق و هر مقام از دویست و پنجاه مقام نوای عاشیق، آتش به جان همگان می‌اندازد و این اندوخته بی از عشق هر عاشیق است. عاشیق تن را در ساز و روح را در آواز فلاصه می‌کند و بر گوش جان می‌نشانند. تا به آدمی درس مهربانی بیاموزد. عاشیق پسر زمانه خود است تا میراث پدران را پاس دارد.

او همیشه در تاریخ پرشکوه و البته غمگین آذربایجان مضمون عاشقانه دارد. در میان ملتش به فوشی می‌نشیند و غمهای درون خود را پنهان می‌کند. با سرپنجه دستانش چشمها را مسمور، روح را مبهوت و تن را بی‌منیت از خود می‌کند تا عشق بودن و دوست داشتن بیافریند.

هنوز هم از گوشه - گوشه این سرزمین، از دل کوههای سر به فلک کشیده آن، از دل مردان و زنان، صدای اساطیری او را می‌شود شنید. همه عاشیقها از سفرهای دور و درازشان و از آوازهای روح نوازشان یک یادگاری را بیش از همه بر تن و جان کشیده‌اند و آن دل پاک و روح عاشیق است با ساز بر سینه‌اش.

عاشیقها با اتکا به آنچه که بر خاکشان، فونشان و ایل و تبارشان گذشته است، برای همه میهمانی دل برپا می‌کنند. عاشیقها از قصه، عشق می‌سرایند و از غصه عبرت. نه سیم ساز او با ملودی‌های مختلفش افسانه‌هایی در کاسه خود دارد با قدمتی به درازای از قوپوز تا ساز و از اوزان تا عاشیق.

با همراهی سازهایی همچون بالابان و دف، تاریخ روان می‌شود تا آدمی را با خود همراه سازد در سفری به پهنای تاریخ پرشکوه سرزمینش.

عاشیقها (سولان پیامی هستند که پاکی را رواج می‌دهند و عشق را در سفره هر عاشقی می‌گسترانند. زبان مردمی عاشیق همیشه زبان آنانی بود که از فستکی کار و ستم به تنگ آمده و بر پهنه خاک فویش او را دوره می‌کردند تا نوایش را به گوش جان جاری سازند و اندوه فویش را به عزمی برای بودن و ماندن تبدیل کنند.

آوازهایی که برای (هیدن از بند ستم و بر بلندای کوه ایستادن بود و عاشیقها همراه و هم‌نوای مردم بودند، گواه این شعرها و داستانها، مقامها و فراز و فرودهایی است که در سینه - سینه مردم این دیار و گوشه - گوشه خاک گرمش نهفته است و بر ماست که به پاسداشت و مرمت سرزمینمان، سینه - سینه عاشیقهای وطنمان را بشکافیم و دل‌های سردمان را بر سفره دردهای عشقشان گرم سازیم.

گرمایی که به ما عشق وطن، بودن و ماندن را به ارمغان می‌آورد.

ويژه نامهٔ دوّمين سالگرد درگذشت استاد پروفيسور محمد تقى ذهتابى

بابك كيمى كيچيچيك گوز
ائوينده دالسالانان
ولاكين عالمى ديقتله سئير ائدهن
و دويان

قريبه بير انسان

يئين، ايچن... پول اوچون قوردا چئويريلين دئمه ديم

قزيبليدان اؤترو هر آن بير دونا گيره ن دئمه ديم
فقط دئديم:

او؛ ظلمت عصيرده اؤز ميللتينين اودونا يانير،

حقير عمور سوروپ، گوشه دن باخير

وقانير

جهانى اولدوغو تىك.

بلى گؤز ايچره بيك

درين قارانليغى گويا كى، يارلايان اولدوز

بولوتلو بير گئجه ده سؤنمه دن يارير يالقيز

ويا اوفوقده بيتن كور دنيزده بير گوهر

ائوينده گوردويو محنت دير، ائلده گوردويو غم

گورور ائشيكده جهالت، دويور ائوينده كدر

كؤنول پياله سينه هئى توكور زمانه ألم

بو، گؤز ياشيندا قايق تىك باتيب چيخان انسان

عجب! گولور، گولوشوندن ده تيره بير هر يان

نه دير بو گؤز ياشى دريا قدر، گولورسه اگر؟!

كيدرليديرسه، نه دير ايلديريملى قهقهه لر؟!

بولوتدو سانكى، گولن بير زامان، آغلاردا

حكايه دير، اوره يى گولدوررده، آغلاردا

بير آينادير، اونا باخديقجا آغلار عاقيللر

گولر جمالينا لاكين باخاندا جاهيللر

نه وارسا شرقده، تمثالى اورادا وار، سؤز سوز

پيسى، پيس اگرينسى او اگري گؤستيرير

دوزو، دوز

چاغیمیزین دده قورقودو" پروفیسور دوکتور محمد تقی زهتابی "نین حیاتی

بوراخیلیمیشدیر... دوستاق دان سونرا، اؤز میللتینین خوشبخت طالئعینه اومود باغلایان میلیلی تیمثال چیمیز عمر و نون سونونا قدر اؤز ائوینده (شبسترده) مطالیعه و یازماقلا مشغول و مختلیف علمی، ادبی، تاریخی کیتابلار یاراتمیشدیر. اوستادین اوتوز جیلدهدن آرتیق یاراتدیغی بدیعی اثرلرین آن پارلاق "ایران تورکلری نین اُسکی تاریخی" اثری دیرکی بو اثر ایرانین، آذربایجانین هابئله تورک دنیاسینین تاریخینده بیر دؤنوش نقطه سی سایلیب.

نهایت پروفیسور زهتابی ۷۵ - ایللیک آجی - شیرین یاشاییشیندان سونرا، یورولماز بیر قهرمان کیمی اؤز ایش میزینین آرخاسیندا، ۱۳۷۷ - اینجی ایلین دئی آیی نین بیرینجی گونونده دونیا یا گؤز یومدو.

اونون اوزونتولو اولومو "آذربایجان میللتینی" آغیر بیر ماتمه باتیردی. ابدی یاشایشا مالیک اولاییلن انسانلار عمومیتله عادی انسانلار کیمی یاشاماغا قناعت ائتمه بیرلر، دئمک پروفیسور زهتابی نین ده خصوصی حیاتی بئله اولموشدور. او اؤز خصوصی یاشایشی اوچون یوخ!" آذربایجان میللتی" نین میلیلی حاقلاریندان مودافیعه ائتدیگی اوچون اوزون ایللر سورگون دوشموش، زندان بو جاقلاریندا آغیر ایللر - آیلار و گونلر کئچیرمیشدیر، لاکین بونلارین هنج بیر یسی بؤیوک عالمین توتدوغو یولدا اراده سینی سارسیدا بیلمه میشدیر. مباریز عالیمین جیسمی ایکی ایلدیر بیزه دن آیریلیسا، اونون خاطیره سی ابدی اولراق "آذربایجان میللتی" نین اوره کلرینده یاشایا جاقدیر. آذربایجان تاریخی اؤز شانلی صحیفه لرینده اونون آدینی قیزیل قلمله یازاز جاق و تورک دنیاسی اونا گووه نه جکدیر.

زاماندا همین بیلی یوردون شرق شناسلیق فاکولته سینده عرب دیلینی تدریس ائتمه یه باشلامیش و بو ایللرده عرب ادبیاتی اوزره تحقیق و اؤز اثریندن مدافیعه ائدیپ، "دوستنت" لقبی آلدی.

پروفیسور زهتابی باکی دا یاشادیغی زمان طب حکیمی اولان "خاورخانیم" ایله ائولنمیش، بو ائولنمگین حاصلی ایکی اوغلان اوشاقدیر؛ بؤیوگونون آدی "بابک" و کیچیکگین آدی ایسه "آذر" دیر. "بابک" انگلیس دیلی اوخوموش و ایندی استانبول دا یاشاییر؛ "آذر" ایسه آناسی ایله بیرلیکده آمریکادا یاشاییر.

پروفیسور زهتابی میللتیمیزین آنا دیلینده اولان احتیاجلارینی دوشونه رک، آله گتیردیگی بیلگیلری اونلارا چاتدیرماق ایسته ییردی، لاکین ایراندا اولان آغیر شرایطی بیله رک، باکیدان عراقا گئتدی.

اوستاد باغداددا "فارس دیلی" و "اسکی تورک دیلی" نی تدریس ائتمیش و اورادا یازدیغی علمی اثرلر اساسیندا "پروفیسور" لوق علمی درجه آلمیشدیر.

باغداددا چالیشدیغی سگگیز ایل سوره سینده "اون بیر" دانا اثر یاراتمیشدیر، اونلاردان: پروانه نین سرگذشتی، بختی باتمیش، باغبان ائل اوغلو، قواعد الفارسیه... کیمی پارلاق اثرلری آد آپاماق اولار.

پروفیسور زهتابی ۱۳۵۸ - اینجی ایل تیر آیی نین اوچونده اؤز آنا وطنینه قایتمش... تبریز بیلی یوردوندا "تورک و عرب دیل لرینی" تدریس ائتمیشدیر.

...ایکی ایلدهن سونرا کهنه پرونده لر اساسیندا بیلی یوردان اخراج (!) دؤرد ایل سو جسوز - گونا هسوز دوستاق چکدیکدن سونرا

پروفیسور زهتابی ۱۳۰۲ اینجی ایل آذر آیی نین ۲۲ - سینده شبسترده آنادان اولدو، یئددی یاشیندا بؤیوک باجی سینا قوشولوب، اونون قرآن اؤیره ندیگی آن اُسکی (قدیمی) قادین مکتبینه گئدیپ، اورادا ایلبانی اؤیره نیپ، اؤز آنادیلیمیزده ناغیل کیتابلارینی اوخوماغا باشلادی. ۱۳۰۹ - اونجو ایله تازا آچیلیمیش دؤولتی مدرسه یه گئدیپ، آلتی ایلدن سونرا، ابتدائی کیلاس لرینی قورتاردی. مادی ایمکانی اولمادیغی اوچوندان؛ ایکی ایل تحصیل دن اوزاق قالمیش، ۱۳۱۷ - اینجی ایله تبریزه گئدیپ، فیوضات مکتبینه دو ققوزونجو کیلاسی بیتیردی.

۱۳۲۰ - اینجی ایله تبریز دانیش سراسینا داخل اولوب، اورانی بیتیردیکدن سونرا ۱۳۲۳، ۱۳۲۲ - اینجی ایللرده رشدییه ادب اورتا مکتبلرینده معلم لیک ائتدی.

۱۳۲۰، ۱۳۲۴ - اینجی ایللرده تبریزده حاجی یوسف شعارین کیلاس لریندا و کاتولیکر کلیساسیندا "مسو ژوزوف قویندئر" نین کلاس لریندا فرانسجانی اؤیره نیپ، ۱۳۲۵ - اینجی ایله آذربایجان دئموکرات فرقه سی واسیطه سیله تبریزده بیلی یورد (دانشگاه) آچیلدیغی زامان، ادبیات فاکولته سینه (دانشکده سینه) قبول اولموش ایله طلبه لردن دیر.

۱۳۲۷ - اینجی ایله عالی تحصیل آلماق اوچون کئچمیش شوره وی یه گئدیپ حزب توده نین گؤسریشی ایله اورادا ایکی ایل زندانا محکوم، سیبیره گؤنده ریلدی... سونرالار تاجیکیستانین دوشنبه شهرینه سورگون ائدیلدی. ۱۳۳۳ - اونجو ایله باکی یا گئدیپ، بئش ایل مدتیله باکی دؤولت بیلی یوردونون آذربایجان دیل و ادبیات فاکولته سینی بیتیریب، عین

تبريز گوروشو

چيچكله ديم ، باهار بيلديم قيشيني ،
كؤكسوم سيخديم ، جانلى سانديم داشيني ،
قارلا يودوم ، گيزله ديم گؤز ياشيمي ،
ايش اوستاسى ، سؤزده جهلى ، تبريزيم ،
گؤز ياشينا اويره نجهلى ، **تبريزيم!**

بو گوروشو درده درمان بيلميشديم ،
گوروشونه بير قيش گونو گلميشديم ،
اي قار آلتيندا اوره يى ياز ، تبريزيم ،
چؤره يى بول ، قيسمتى آز **تبريزيم!**

دالغا ايديم ، اوممانينا قاووشدوم ،
زووار ايديم ، كروانينا قاووشدوم ،
آزادليغا گومانينا قاووشدوم ،
آزادليغين ايلك سىگري ، تبريزيم ،
تاريخلرين شاه اثرى ، **تبريزيم!**

قودرتينه شك ائله يه بيلمه ديم ،
قوجا " ارکه " ارک ائله يه بيلمه ديم ،
نه ياتيرسان ، درك ائله يه بيلمه ديم ،
اي دونياني يولا سالان ، تبريزيم ،
اي كروانندان دالا قالان ، **تبريزيم!**

نه گؤزله ديم ، نه آختاريم ، نه بولدوم ؟
نه بولدومسا اوره بيمه قبولدو ،
بوسويوقلوق نه زامانندان ده ب اولدو ؟
اؤولاديني قوناق بيلن ، تبريزيم ،
دردينه دئييب - گولن ، **تبريزيم!**

جتينيى سنده تاپان چوخ ايدى ،
سؤزون وارسا ، داشدان كئچن اوخ ايدى ،
نيو - يوركلار ، لوندرا لار ، يوخ ايدى ،
اؤزيئرینده سايب دوران ، تبريزيم ،
نؤكرلره بؤيون بوران ، **تبريزيم!**

قيلنجايوخ ، ياغلى سؤز ايلدين ،
دوشمنه يوخ ، دوست - قارداشا دؤيولدون ،

تاريخ بويو بئله مظلوم دئييلدين ،
امود بورجوم ، ظفر تاغيم ، تبريزيم ،

گولله ده ييميش ، سؤز بايراغيم ، تبريزيم!

آنا دیلیمیزی اؤیره‌نمگی اؤزومه بیر وظیفه بیلدیم

دیلیمیزده یازیب - اوخوماغی
تمامیله اونوتدوم.

زمان کئچدی، نهایت ۱۳۲۰- اینجی
ایلده متفکله ایرانا گلدیلمر. روسلار
گلدیلمکدن ۶۷ گون سونرا حاجی
میرزا علی شبستری، آتا اسماعیل
شمس ایله برابر تبریزده "آذربایجان"
روزنامه‌سینی منتشر ائله‌مگه
باشلادیلار. بو روزنامه‌ده فارس
دیلینده بعضی مطلبلر چاپ اولماسینا
باخمایاراق اساساً آنا دیلیمیزده
ایدی. اورادا گؤزه‌ل کاریکاتورلار
و ساتریک یازیلار اولاردی. من او
زمان بیر داها آنا دیلیمیزی
اؤیره‌نمگه باشلادیم. اؤزومه بو
روزنامه‌ده فارسجا بیرشئیلر
یازیردیم. بو روزنامه ۴۸ نومره منتشر
اولاندان سونرا، ایران دؤولتی
گلیب و روزنامه‌نی باغلالتدی.
اوندان بیر ایل یا ایل یاریم سونرا
"حزب توده" گئنیله‌نیب و تبریزه
یا بیلدی، هم حزب توده‌نین همده
باشقا تشکیلاتلارین روزنامه‌لری
هامیسی فارسجا منتشر اولوردو،
بونلاری اوخودوقدا، په‌لوی
دؤورونده بئینیمیزه کئچیرمیش
"زنده باد ایران" و یا "زنده باد
شاهنشاه په‌لوی" کیمی سر - سفیه
سؤزلر - شعارلار یادیمزدان
چیخدی. بونا باخمایاراق بیز آنجاق
فارسجا اؤیره‌ندیک و من ۲- اینجی
دفعه اولاراق آنا دیلیمیزی اؤیره
ندیکدن سونرا بئیرده
اونوتدوم. بوندان سونرا من "خاور
نو" و باشقا روزنامه‌لرده هر نه مقاله و

ائله سین، اودا راضی اولدو. او
گوندن سونرا منده باجیملایرلیکده
مکتبه گتتیم و نئچه آی عرضینده
ایفبانی اؤیره‌ندیم. ایفبانلی
اؤیره‌ندیکدن سونرا، من ائویمیزده
اولان تور کجه ناغیل کیتابلارینی -
امیر آرسالان، شاه اسماعیل، ملک
ممد، اصلی و کرم و ...
کیتابلارینی - روان اوخویوردوم.
بونا باخمایاراق کی چوخونون
معناسینی درینده باشا
دوشموردوم. قیش گلدیلمکده
قونشولار - قیزلار گلیب بیزیم ائوه
یغیشیب، منی کورسونون اوستونده
اوتوردوب، چیراغی قاباغیما
قویاردیلار، منده بو ناغیللاری
اونلارا اوخویاردیم ... قیش قوتاران
کیمی منیم ایشیم بو ایدی. سونرا بیز
گتتدیک میرزه ابراهیم آدلی بیرینین
مکتبینه. او مدرسه‌سینده فارسجا
اؤیره‌دیردی، اورادا فارسجا
اؤیره‌نمگه باشلادیق. تخمیناً بیر ایل
سونرا (۱۳۱۰ اینجی ایلده) بیزی
یئنی آچیلیمیش "گلشن راز" آدلی
دؤولتی مدرسه‌یه گؤنده‌ردیلر.
بوندان سونرا من آنا دیلینده
اوخوماغی تمامیله اونودوب و
تکجه فارسجا اؤیره‌نمگه
باشلادیم. بو دؤورده آنا دیلیمیزده
نه بیر کیتاب وارایدی و نه‌ده آنا
دیلیمیزده دانشماغا اجازه وئریدیلر
و مدرسه‌ده آنادیلیمیزین علیینه
تبلیغ اولاردی.
بیز (بولداشلاریملا) آنا دیلیمیزده
دانشاندا، بیزی بیر قیران جریمه
ائده‌ردیلر. بئله لیکله من آنا

آذربایجان میلیتی نین میلی و
دئموکراتیک حقوقوندان مودافعه
ائتمکده یورولماق بیلمه یین، عالیم
و یازیچی "پروفور دوقتور محمد
تقی زهتابی (کیریشچی)" گؤزله
نیلمز اولوموندن بیر نئچه گون قاباق
، بئرلین شهرینده اولموش؛ "
عصرین آساناسیندا آذربایجان"
آدلی بیر سئمیناردا ایشتیرا
ائتمیشدیر. اوستاد بئرلین شهرینده
اولدوغو زمان ژورنالیستلره بیر
مصاحبه وئرمیشدیر، ایندیه بو
مصاحبه نین بیر قیسمتی نی حؤرمتلی
اوخوجولاریمیزا تقدیم ائدیریک.

س: اوستاد! آنادیلیمیزی نجه و نه

زمان اؤیره‌ندینیز؟

ج: من آنادیلیمیزی اؤیره‌نمکده
معین مرحله لر کئچیرمیشم. هر
میللتین اوشاغی و جاوانی اؤز آنا
دیلنی اؤیره‌نمکده چوخ طبیعی بیر
یول کئچیریر. آنا قوینوندا اؤز آنا
دیلنی اؤیره‌نیب سونرادا اؤز دیلینده
مدرسه‌یه گئدیلمک، دانشگاه
گؤروب و اؤمرونون آخیرینا قدر
آنا دیلینده دانشار. آنجاق بیزده
وضعیت بئله دئیس، بیز اولجه
آنادیلیمیزی اؤیره‌نیریک، سونرا
مدرسه‌یه گتتدیکده وضعیت
ده بیشر.

من ۵-۶ یاشیندا اولاندا، مندن
بؤیوک باجیم قورآن مکتبینه
گئده‌ردی. منده آنامی تنگه
گتیردیم، آنام چاره سیزمنی بیر
گون یانینا سالیب "خاور خال" نین
قورآن مکتبینه آپاردی و اوندان
خواهیش ائله‌دی کی، منی ده قبول

مطلب یازیردیم هامیسی فارسجا ایدی.

نهایت ۱۳۲۴- اینجی ایل گلدی، بو ایلین شهریور آیینین ۱۲- سیندن "پیشه وری" طرفیندن، آذربایجان دموکرات فرقه سینین اورگانلی "آذربایجان" روزنامهسی نشر اولماغا باشلادی. من او وقت - اونندان دا چوخ قاباق - "حزب توده" نین عضوو ایدیم. "آذربایجان" روزنامه سی نشر اولاندان سونرا اوچونجو دفعه اولاراق آنادیلیمی اؤیره نمگه باشلادیم. بوندان سونرا آنادیلیمیزی هنج زامان اونو تمادیم (پیشه وری نین سایه سینده).

پیشه وری نه تکجه دیل، بلکه فکیر و ایدئیا نقطه نظریندن آذربایجان جاوانلارینا چوخ درین تأثیر ائله دی. تکجه جاوانلار یوخ؛ بلکه چوخلی یاشلی آداملاری دا فرقه یه جلب ائیلید. پیشه وری اونندان اول "آزیر" روزنامه سینی تهراندا فارسجا یامیشدیر. بو دفعه آذربایجان دیننده یازماغا باشلادیقدا، منده - اوچونجو دفعه اولاراق - باشقالاری کیمی آنادیلیمیزده یازیب - اوخوماغی اؤیره ندیم. نه ایسه ۱۳۲۳ - اونجو ایل تبریزین فردوسی مدرسه سینده - ادبیات رسته سینده - ۱۲ اینجی کیلاسی قورتاردیقدا سونرا، آنجاق بیر هدفیم وار ایدی؛ اودا دانشگاهدا اوخوماق ایدی، آما بوتون ایراندا آنجاق بیر دانشگاه وار ایدی، اودا تهراندا ایدی. منیم اورادا تحصیل ائتمه گیمه، خصوصی ایله ماددی ایمکانیم یوخ ایدی. بونا باخمایاراق چابالیردیم کی هر یول ایله اولموش - اولسا

دانشگاهها گیریم. نهایت ۱۳۲۴ - اینجی ایلده فرقه ایش باشینا گلدیکدن سونرا ایرانین ایکینجی دانشگاهی تبریزده یارانندی. بو دانشگاه آنادیلیمیزده ایدی. دوزدور کی اورادا علمی شعبه لرین هامیسی تشکیل تاپمامیشدی، آنجاق دیل و ادبیات فاکولته سی، کشاورزی، طب، ... فاکولته لری وار ایدی. منده اوزون آرزوما چاتدیم، دیل و ادبیات فاکولته سینده آیدیردیم. بئله لیکله بیز اورادا آنادیلیمیزده ادبیاتیمیزی اوخوماغا باشلادیق. آما بیر او قده ر کئچمه دی کی وضعیت ده بییشدی و دانشگاهدا باغلانندی و بیز سرگردان قالدیق. اونندان سونرا من تهرانا گئدیب بیر مددت اورادا قالدیقدا سونرا، او زامانکی شورویه کئچدیم. شورویده "حزب توده" نین توصیه سی نتیجه سینده منی "سیبری" گونده ردیلر. هر حالدا اورادا منیم فیکریم اوخوماق ایدی. اورادا دانشگاه گئتمک ایسته دیم، آما منیم متوسطه تصدیقیم یانیمدا اولمادیغی اوچون، قبول ائله مه دیلر. بونا گوره باشلادیم آخشاملار متوسطه اوخوماغا. بیر ایلدهن سونرا ۱۳ نجی صحیفه نین آردی

متوسطه دیپلومومو آلیب و تصدیقیمی باکی دانشگاهینا گونده ریب و اورادا اوخوماق اوچون اجازه ایسته دیم. بوندان بیر - ایکی هفته سونرا باکیدان مثبت جاواب گلدی. یازمیشدیلاز بو نومره ایله هر وقت ایسته سم امتحامسیز - کونکورسوز باکی دانشگاهیندا اوخویا بیلهرم. بونو ائشیتدیکده

باکی یا گئتدیم. باکیدا چوخلو یولداشلاریم وار ایدی، اونلارلا گؤروشوب و بیر نئجه گون سونرا باکی دانشگاهینین، دیل و ادبیات شعبه سینده قبول اولوب، اوخوماغا باشلادیم. یادیمدادی کی، باشلادیقدا بیر نئجه گون سونرا، دانشگاهین رئیسی "یوسف محمد علی" منی اؤز اوتاغینا چاغیردی (او، او زامان دونیا شوهره تلی شیمیست و کاشیف ساییلیردی) او منیم نومره لیمه باخیب، مندن سوروشدو کی، بو نومره لرله نه اوچون شیمی اوخوماق ایسته میرسن؟؟ دئدیم: حؤرمتلی پروفیسور! ایندی لیک خلقیمین بونا احتیاجی وار! آياغا قالخیب منه طرف گلدی، منله آل وئریب و منه موفقیت آرزولادی. او گونه کیمی من ۴ نفر باشقا دانشگاهیلا بیر اوتاقدا قالیردیم؛ او گون (یوسف محمد علی نین تاپشیریغیلا) منه بیر دانا بیر نفر لیک اوتاق وئردیلر. بئله لیکله من اورادا ۵ ایل آنادیلیمیزی و ادبیاتیمیزی بویوک اوستادلاریمدان: مختار حسین زاده، شیر علی یئو، آغامعلی، یوسف معلم، نصیر معلم... دان اؤیره ندیم. بوندان سونرا من نه تک آنادیلیمی اونو تمادیم، بلکه او گوندن سونرا منیم یازیلاریم اساس اعتباریلا آنادیلینده اولدو. تکجه دانشیق دیلینی یوخ، بلکه دیلیمیزی علمی سویه ده اؤیره ندیم. من او وقتا قدر تبریزده فارس دیلینی، عرب و فرانسوا دیل لرینی اؤیره نمیشدیم و اؤز بدهن بیلیردیم، آنجاق اؤز آنادیلیمیزین قایدا - قانونلارینی اؤیره ندیکدن سونرا، بو دیلین

آمما کیتایمیز یوخدور. من باغدادا قایتدیقدان سونرا ، اونلار اوچون بیر کیتاب یازدیم "ایران تورکجه سینین صرفی" آدیندا ، اونو بئرلینه گؤندهردیم بورادا چاپ اولدو.

بیر دفعه بورایا- بئرلین شهرینه - گلمیشدیم ؛ بوردا چوخلو آذربایجانلی جاوانلار منه مراجعت ائدیب ، دئیردیلر کی بیز آنا دیلمیزی اؤیره نمک ایسه بیریک

معناسینی - علمی معناسینی دهریندن باشا دوشدوم. خیلاصه من آنا دیلمی بئله لیکله اؤیره ندیم و بو اؤیره نمک منیم اوچون چوخ قیمتی اولدو. مثلاً باغدادا اولار کن

بیر دیلهک!

بیر دیلهک بیر دیله گیم وار اوگون

انتظارلار باشا چاتاندا

باشیم آغار سادا بیر اوغلان کیمی

باشیما گلنه نی ارمغان کیمی

ارکیدن خلقیمه سه په جه گم من

تربت تک تورپاغی اوپه جه گم من

مقدس آرزو گوزهل بیر دیلهک

بو دیلهک اوغروندا تقدیم ائده جک

بیر اوره گیم وار

بیر اورهک!

بارتولد و تاریخ ترکستان

قسمت اول

شیرین گهرسی آملی
کارشناس ارشد تاریخ

سفرهای متعدد وی به مراکز دانشگاهی اروپائی و غیره سبب غنای معلومات و اطلاعات وی از وضعیت رشته مورد مطالعه خود در سایر کشورها شد.

وی در سال ۱۸۹۶ به تدریس در دانشگاه سن پترزبورگ پرداخت و سپس در سال ۱۹۰۰ م پایان نامه ای تحت عنوان "ترکستان در عهد هجوم مغولان" را جهت اخذ درجه دکتری ارائه نمود که با شگفتی داوران و حاضران قرار گرفت. پس از آن بارتولد پیوسته مدارج عالی دانشگاهی و علمی را طی نموده و بسیاری از انتشار و مجلات تخصصی روسیه در حوزه شرق شناسی را تحت سرپرستی و یا همکاری داشت. سفرهای نسبتاً زیاد او به آسیای میانه که با اهداف انجام دادن پژوهش‌های باستان‌شناسی و یا مطالعه و بررسی نسخه‌های خطی موجود در آن حدود انجام می‌گرفت، نتایج ارزشمند در برداشت خود او احساسش از سفرهای علمی را با اهمیت کارهای کاشفان جهانی نو، قیاس می‌کند.

تمرکز اصلی مطالعات وی در زمینه تاریخ ایران، سرزمین‌های قفقاز و کشورهای عربی و اقوام ترک و مغولان و اسلام شناسی بود، اما بیش از همه در زمینه تاریخ آسیای میانه کارکرده است. با وقوع انقلاب شوروی (۱۹۱۷) فعالیت‌های بارتولد همچنان ادامه یافت.

ادامه دارد

درباره آسیای مرکزی که امروزه نیز از اهمیت سیاسی و ژئوپلیتیکی مشابه اوایل قرن بیستم برخوردار شده است، آثار بجا مانده از پیشگامان مطالعات آسیای مرکزی به ویژه کسانی چون واسیلی ولادیمیریویچ بارتولد است. ابتدا معرفی کوتاهی از ایشان تقدیم می‌شود و سپس به معرفی کتاب کمتر شناخته شده و مورد توجه او در ایران که در خصوص مسائل تاریخ و تحولات سیاسی و اجتماعی آسیای میانه و آسیای مرکزی است می‌پردازیم.

۲- واسیلی ولادیمیریویچ بارتولد (۱۸۶۹ - ۱۹۳۰) در شهر سن پترزبورگ در خانواده آلمانی روسی شده‌ای متولد شد. تمول نسبی خانوادگی او سبب شد تا دوره‌ای طولانی از دوره جوانی خود را صرف تحصیل معلومات انسانی مختلفی و به ویژه یادگیری زبانهای باستانی کلاسیک (یونانی و لاتین قدیم) و جدید اروپا فراگرفت و عاقبت الامر به تحصیل تاریخ بپردازد. وی در ضمن مطالعات رشته تاریخ کشورهای خاورمیانه و نزدیک در قرون وسطی به مطالعات ترک‌شنای علاقمند شد و کار خود را در این حوزه متمرکز کرد.

او تحت هدایت پ.م. ملیورانسکی (۱۹۰۶ - ۱۸۶۷) و و.و. رادلوف (۱۹۱۸ - ۱۸۳۷) ترک‌شناسان معروف روسیه به تحقیقاتی پدیده در این باره دست زد.

۱- مقدمه :

با وجود گذشت سالیان بسیاری از توجه و علاقه دانشمندان و دانشگاهیان به بررسی وضعیت طبیعی، جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی آسیای مرکزی، هنوز سلطه، اقتدار و نفوذ پیشگامان و آغازگران مطالعات قوم‌شناسی این منطقه، برقرار و باقی است.

در حالی که در سایر علوم انسانی، تحولات درخور توجهی در روش‌شناسی و موضوعات مورد بررسی و حتی داده‌های آن علوم به منصفه ظهور رسیده است، اما شاید بتوان با اندکی اغماض درباره تاریخچه مطالعات اقوام آسیای مرکزی و مسائل تاریخی و جمعیتی آنان این قضاوت را مطرح کرد که هنوز چنین تحولی به وقوع نپیوسته است. البته علل این امر متنوع و قابل مناقشه‌اند، که شاید یکی از مهم‌ترین این عوامل بالا گرفتن حساسیت‌های ژئوپلیتیکی و دیپلماتیک منطقه‌ای و جهانی درباره مسائل و وضعیت معاصر این مناطق بوده باشد که طبعاً هرگونه مطالعات قوم‌شناسی و قوم‌نگاری و غیره را در این نواحی تابع تمایلات و واکنش سیاسی دول منطقه یا دول ذینفع قرار میداد. لذا رغبت و تمایل دولت‌های منطقه، مانند چین، شوروی، هند، مغولستان، کره شمالی، افغانستان و دول دیگری در این امر مؤثر واقع میشد.

از اینرو است که ادعا می‌شود همانا درخشان‌ترین کارهای تحقیقاتی

حیدر بابایا سلام و اونون

میللی و ادبی شاه

اثریمیز بیر نچه عامیلر

اوزره

حیدر بابا مرد اوغوللار دوغونان

نامردلرین بورونلارین اوگونان

اوستاد شهریارین شاه اثری اولان "حیدر بابایا سلام" یین اؤنمی و اونون ادبی - اجتماعی ، میللی و هومانستیک دهیری بیر نچه عامیللردن دوغولا بیلر. اثرین یایییندان بیر آز زمان کئچمه ده ؛ آذربایجان میللتیندن علاوه ، باشقا تورک دیللی سويداشلاریمیزین درین فاتلارینا نفوذ ائدن بو منظومه نین یارانماسیندا و اینانیلماز تیراژلارلا دؤنه - دؤنه باسیریلماسیندا بیر چوخ عامیللرین اوست - اوسته ائتکیسی اولموشدور کی ، هانسی عامیلین داها آرتیق اؤنمه مالیک اولماسینی معین لشدیرمک چوخ چتین دیر. بو یازیمیزدا بیر چوخ تدقیقات و آراشدیریحیلاریمیزین فیکیرلریندن فایدالانیب ، مکمل اولاراق بو عامیللرین بیر نچه سینی قئید ائتمک نیتی ایله قلم آتمیشیک. بحث آپاراجاغیمیز "حیدر بابایا سلام" و اونون آن اساس اؤنملری اوزره ایلك نووبه ده دیل یاساقلیغینی آن اؤنملی عامل دوشونسک هئچده سهو ائتمه میشیک. نیه کی اوستاد شهریار اؤزو بو اولایی گئرچکدن دوشونرک بئله افاده ائتمیشدیر:

تورکو اولموش قدغن دیوانیمیزدان دا خبر یوخ
شهریارین دا دیلی وای دئییه دیوانیله گتدی

"حیدر بابایا سلام" اثرین ائتکی سینی اؤز اؤلکه میزدن دیشاردا عینی وضعیتده گؤرمک اولار. اؤرنک اوچون قوزئی آذربایجاندا اوزمان پارجالانمیش میللتیمیزین بیر قولوندا روسلاشدیرما سیاستی آپاریلان زمان بو اثر بیر ایلغیم کیمی شاخیب ، سیویل و کولتورهل استیلا یا قارشى میللتین مجاديله روحونو اویاندیریر، بئله لیکله

اورادا یئنی حرکتلرین یارانماسینا زمین یارادیر. آنجاق بو میللی او یانیش زامان کئچدی کجه گوجلہ نیب ، نهایت ۱۹۸۹- اینجی ایله قباریق شکیلده اؤزونو نمایش ائتدیریر. ائله بو و ساییر بو کیمی فاکتلازا دایاناراق جراتله دوئمک اولارکی "حیدر بابایا سلام" ادبی بیر اثر دن آرتیق ، میللی روحیه لی بیر اؤلمز اثر دیر. "شاهنامه" فارس میللتی "اوجون میللی - ادبی بیر اثر ساییلدیغی کیمی ، "حیدر بابایا سلام" دا "آذربایجان میللتی" نین میللی - ادبی اثری دیر.

"حیدر بابا" تی آراشدیرارکن بیر آیری و اؤنملی تاثیرده گؤز اونونه آیینیر؛ او اؤنم انسانلاریمیزین ادبی استعدادلارینین چیچک لنمه سینده بورا خدیقی ائتکی سیدیر.

بئله کی بو شاه اثری یایلانندان سونرا شعر استعدادینا مالیک اولارکن ، اؤزونون خبری اولمایان آدمالار و یا یازیب - یاراتماق استعدادینا مالیک اولارکن قلمدن - کاغیذدان کوسن شخصلر حیدر بابانین تاثیر آلتیندا قلم اله گؤتوروب و اونا اوخشاتما یازماقلا اؤز شخصی استعدادلارینی ایشه سالدیلار.

آنجاق نه قدر بو سیرادا اثر یازیلدیسا هئچ بیر یسی "حیدر بابا" یا چتامدی. اونون اوچون هامی تدقیقاتچیلار بو منظومہ نی ائشسيز و تاپسيز بیر شاه اثر حساب ائدیرلر. بو بارده جراتله دئمک اولارکی ۱۳۳۲- اینجی ایله قدر هجا وزینده ایستر تورک ادبیاتیندا و ایسترسه فارس ادبیاتیندا شعر یازیلسادا ، اونون نظیری یوخدور.

بؤیوک اوستاد "دوکتور روشن ضمیر" بو حاقدا دئیر: هارادا اوشاقلیق خاطیره لرینی ائحتوا ائدن بیر ادبی اثر گوردوم ، اونو دیقته اوخودوم ، لاکین نه شرقدہ و نه غربده حیدر بابا سوپه سینده گؤزل بیر منظومه گورمه دیم. هابئله بو اثرین محتوا ، زنگین و درین اولدوغو اوچون جامعه شناس اوستادی دوکتور ترابی "اوستاد شهریارى " یئنی کند " شعرینین آتاسی آدلاندیریر. بو آراشدیرمالار اوزره باشقا و اؤنملی خاراکتور اوستاد شهریارین اؤزونون یوکسک شخصیتی ، نجیب لیگی ، قاجیلماز جاذیبه سی ، کلایمین نفوذو و هامیدان اول بیر انسان سئور شاعیری اولدوغو اول بیلر. میللتینی اوره کدن سئون شاعیر ، قطعاً اوزوده میللتی طرفیندن سئویلر...

اوستاد شهریار تکجه دردی گوروب سیزلایان ، آغی دئییب - آغلایان ، حق سیزلیکی دویوب - سوسان شاعیر دئییل ، او اؤز انسان سئولیک خاراکتیرنه دؤنرک ،

یا خود اوستاد آیریلیق نغمه سینی دریندن حیس ائدرک ؛
قارداشی قارداشدان ، ژ آری آرواددان ، اوشاخی آنادان
اوزاق دوشمه سینی ، آتی دیرناقدان آیریماق کیمی
ساناراق بو آغیلاری گئچک معنادا بئله قلمه آیر:

...جلاد قمه سیله بدنی باشدان آیریمیش

جاندان جیگری ، قارداشی - قارداشدان آیریمیش

بیر میلته دونیا بویو فاجیعه دوغوش

بیز ائلرین او قهرمان احساسینی پوزموش

یازان ، یارادان ... انسانلارلا یاشایان و اونلارین قایغی
لارینی چکن شاعیر ، همیشه انسانلار طرفیندن بسله نیب
، سئویله ایندسه اوستاد شهریار بوتون اونو تانیان
انسانلار طرفیندن سئویله و اونون اوزونتولو آیریلیغیندا
یاشایان میللیمیز بو آغی لا اوستاد شهریاری سسله ییرلر:

حقیم دئیه ر ائلر قالخب آیاغا

سسین گلیمیر آی شهریار هارداسان ؟

آیل باری گولله لرین سسینه

میللتی نین مین دردی وار هارداسان ؟

میلتی نین دردینه درمان آختاریر و طولمو کؤکدن قیرماق
ایسته بیر ، هامیدان مهم او اؤز میللتی نی بیرلیگه و آل بیر
اولماغا سسله ییر:

انسانلاریق ، انسانلیغی خوشلایین

بیر میللتیک ، بیرلشمه باشلایین

بو خان ، خانلیق ، حکومتی بوشلایین

بوگون گرک بشر اولسون بیر میللت

بیر میللته اولارمی یوز حکومت؟ ...

اوستاد شهریار تکجه اؤز وطنداشلاریلا محبت باغلایب
، اونلارلا سئودالاشمیر ، او بیر قایغی کشش انسان کیمی
بوتون دیلداشلارینی دونیانین دورت بوجاغیندا
سوراخلایب ، یازیر:

بیر آسه یدیم بو چیرپینان یئلی نین

آغلاشایدیم داغدان آشان سئلی نین

آغلاشایدیم اوزاق دوشن ائلی نین

بیر گؤریدیم آیریلیغی کیم سالدی

اؤلکه میزده کیم قیریلدی ، کیم قالدی

آنا

آلادیر گوزلری ، قارادیر قاشی
دولانیب گونلری ، آغاریب باشی
منیم اوره ک قانیم ، اونو گوزیاشی
توکولوب حسرتله ، آخار گئجه لر

اوتورار آخشاملار سویون باشیندا
بوکولوب قامتی ، آتمیش یاشیندا
اوشالار پالتارین ، حووض باشیندا
آه ، چکیب اوره کدن باخار گئجه لر

یئرینه گیرنده یوخوسو گلمرز
بیر سیلر گوزلرین هرده نده سیلمز
آنالار دهر دینی بیر کیمسه بیلمز
اود ووروب یان دیرار ، یاخار گئجه لر

بئنه خدا

فرم همکاری با

چاغری

نام و نام خانوادگی :

رشته و دانشگاه :

آدرس و شماره تماس :

در چه زمینه هائی می توانید با همکاری داشته باشید؟

خدمات کامپیوتری خط و طراحی

ترجمه

سایر موارد (با ذکر مورد):

.....

شعر باغچاسى

منيم ديليم

ايللر اوتدو ، ياشا دولدو

آنلاديم كى منيم ديليم

اوره بيمدهن چيخماز منيم

دوگرانسامدا ديليم — ديليم

شرقين صنعت بايراغى دير

فضولى نين غزللرى

باخ! بو ديده وصف ائلهميش

او ان ظريف گوزه للرى

مين دونيايا دهيشمهرم

صابيرين بير سطرين من

اوندا گوردوم اوز ديليمين

شهدين من عطرين من

قلبم حيات چشمهسى دير

سئوينج ياغير ، آهدا ياغير

منيم ديليم گوى گولوم دير

منيم ديليم شاه داغيم دير

كيم سئومهير اوز ديلين

ايتسين منيم گوزلرمدن

آذربايجان توپراغى نين

گونشى دير منيم ديليم

خليل نيزامى تىبا

اينجى سؤزلىر

منيم وار يئلريم بو خور ، منيم وار يئلريم

گنرچك عالملىردير .

حضرت محمد (ص)

حقيقت بير مدت پرده آرخاسيندا قاليب اونودولا بيلر ،

لاكين هميشه جاوان قاليب اوزونو آشكار ائدهجك .

اوشاق يالوارماقدان يورولدو

آخشام دير تبريزين بير قيش آخشامى

شاختا گزير شيكار ، ماهر اووچوتك

سماده آليشير گوى لرين شامى

يئرده آج قورد كيمي ، اولايير

كولك

كيمسه سيز قايى لارى دويدو كجه توفان

نه سس ائشيديلير ، نه ده بير هاراي

قالين بولودلارين سيخ

آراسيندان

ضعيف كولگه كيمي ، ايشيق

ساجير آي

گليب ، گنده نلره ، ال اوزادارق

ديلنچى ديله يير ، بير پارچا چوره ك

انسانين اوغورسوز طالعينه باخ !

بيرتيكه چورك چين ، ايبلسين گرگ

اودور باخ ، شيشمان يير هيكل دالينجا

تله سيك ، مضرب قاچير بير اوشاق

اوزونده ، گوزونده مين بير حيكاي

يالوارير ، يالوارير يوروبلمياجاق

او گنتدى باشقاسى ، سونرا ديگرى

اعتناء ائتمكدن ، كنجير آقالار

بو اوره ك يانديران اينىلتى لرى

شعر باغچاسی

توپراق

آرخام اوسته یاتیرتمایین

قیریمده!

اوزوم اوسته یاتیردین

دوداق - دوداقا

توپراق ایله اؤپوشهك بیز

داغیلین

ننه بالا قلاق تهك بیز

کورهلمه یین باشیم اوسته

اؤلوم سؤزو قازدیما یین داشیم اوسته

عؤمور بویو کؤوره لدیگیم توپراق اوچون -

کؤوره لدینیز؟

دوشون یولا!

یولا دوشون!

دایانمایین دسته - دسته!

یوللار یورغون

توپراق خسته

ایندی منی اؤیره ندینیز؟

ایندی منی اؤیره ندینیز؟

دوکتور علی حسین زاده "داشقین"

مرگ بر مرگ!

در زمانی که برخاک غلطید

از تگرگ سحر گاهی

آن برگ

زیر لب

تند

با باد می گفت:

زنده بادا زندگانی

مرگ بر مرگ

مرگ بر مرگ!

شفیعی کدکنی

مسابقه علمی

صافی الدین اورموی چهره تابناک و موسیقی دان برجسته آذربایجانی در قرن ۱۳ میلادی پیشگام تئوریزه کردن لارها (مدها)ی مشرق زمین بوده است. او با تحریر کتب و رسالات موسیقی متعدد، میراث بسیار ارزشمندی از تمدن موسیقی آذربایجان را به نسلهای بعدی هدیه کرده است. متن حاضر شما را با صافی الدین اورموی بیشتر آشنا می سازد. به ۵ نفر از عزیزانی که تا ۱۵ بهمن ماه ترجمه متن زیر را به آدرس پستی یا الکترونیکی ارسال دارند جوایزی تقدیم خواهد شد. (۳ جایزه به ترجمه ترکی آذربایجانی و ۲ جایزه به ترجمه فارسی)

این ارک بلند تبریز من است !!!؟

خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا: با این که در اواخر سال ۱۳۷۶ کارشناسان دادگستری رأی به غیر قانونی بودن ساخت مصلی در محدوده تاریخی ارک علیشاه دادند، اما قاضی حکمی خلاف آن صادر کرده و حفاری ادامه یافت!

آقای ساعد هدایی معاون معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی در گفتگویی با خبرنگار سرویس اجتماعی - فرهنگی ایسنا، ضمن اعلام این مطلب گفت: در پاییز ۱۳۶۰ با نظر آیت ا. . . ملکوتی امام جمعه وقت تبریز، دیوار تاریخی ارک علیشاه منهدم شد هرچند در آن زمان علت تخریب این دیوار که مزین به آیات قرآنی در قدیمی ترین بخش بنا بود - ایجاد فضای مناسب برای نمازگزاران و وجود خطر ریزش آن اعلام شد - اما کارشناسان حفاظت آثار باستانی به سرپرستی دکتر شیرازی معتقد بودند این قسمت بنا فاقد اشکال بوده و احتمال ریزش ندارد. البته در نهایت مجبور شدند برای فروریختن دیوار از ماشین آلات سنگین و دینامیت استفاده کنند. مجری طرح جهادسازندگی بود و این عملیات با هماهنگی مسئولان وقت نماز جمعه و استاندار آن زمان آقای طاهری انجام گرفت. هدایی در ادامه گفت: کتابی با نام "مسجد مسجد شد" در دو جلد توسط آیت ا. . . ملکوتی در این باره به رشته تحریر در آمده است که در آن حتی به گزارش کامل هیأت حفاظت آثار باستانی اشاره شده است. وی همچنین افزود: به نظر ما ورود ماشین آلات سنگین در استفاده از این وسایل، پایه های عظیم مسجد تاریخی ارک را نابود ساخته است. وی با اشاره به تشکیل جلسه ای در تابستان ۱۳۷۶ در دفتر وزیر ارشاد وقت آقای میرسلیم، با حضور امام جمعه تبریز آیت ا. . . شبستری، رئیس سازمان میراث فرهنگی مهندس کازرونی و مدیر کل میراث فرهنگی و مدیرکل میراث فرهنگی آذربایجان شرقی - تقی زاده - برای حل این مسأله از راه مسالمت آمیز گفت: در این جلسه مقرر گردید که عملیات حفاری متوقف شود ولی به هیچ کدام از مصوبات جلسه عمل نشد و عملیات احداث بنا ادامه پیدا کرد. هدایی در ادامه با اشاره به اعتراض دکتر علی اکبر سرافراز به نقض مصوبات این جلسه و ادامه ساخت و ساز در حریم این اثر تاریخی گفت: ایشان که سرپرستی هیأت باستانشناسی میراث فرهنگی را برعهده داشتند و خود از باستانشناسان نامی کشور است زمانی که با خلف وعده مواجه شد، به نشانی مخالفت، تبریز را ترک کرد.

وی با بیان این که در پی شکایت سازمان میراث فرهنگی از بنیاد خیریه مصلی تبریز، هیأتی از کارشناسان دادگستری توسط قاضی مربوطه برای بررسی بیشتر این پرونده تشکیل شد گفت: اعضای این گروه شامل رئیس کانون کارشناسان دادگستری تهران، یک کارشناس ساختمان، و مهندس بنایی کاشانی در تبریز حضور یافتند و پس از بررسی محل، گزارشی در ۶ صفحه منتشر نمودند. هیأت کارشناسی استدلال کرده بود که این ساخت و سازها موجب تخریب لایه های تاریخی درون زمین شده و به این علت امکان پژوهشهای باستانشناسی سلب شده است. در این دادرسی برخلاف عرف و قانون، رئیس دادگاه بدون اعتنا به رأی کارشناسی شکایت سازمان میراث فرهنگی را در اواخر سال ۱۳۷۶ مردود اعلام کرد و این حکم در دادگاه تجدید نظر نیز تأیید شد. شکایت سازمان از دادگاه به دادستانی کل کشور نیز سودی نبخشید. حتی شکایت سازمان از بنیاد مبنی بر سرپیچی آنها از ارائه نقشه ساختمانی به سازمان نیز وارد تشخیص داده نشد!!

هدایی در پایان تأکید کرد: از نظر ما پرونده ارک علیشاه مختومه نمی شود و ما از راههای قانونی به تلاش خود ادامه خواهیم داد.

لازم به ذکر است که در جریان دومین مجمع عمومی جمعیت دانشگاهیان آذربایجانی طی مراسمی در محل سازمان میراث فرهنگی آذربایجان شرقی لوح تقدیر جمعیت به پاس خدمات جناب آقای مهندس تقی زاده در حفظ ارک تقدیم ایشان شد.

يارالى چينار

تبريز،

ارك قالاسى؛

يالقيز بير چينار.

يارالى گؤوده سى جادار -

جاداردير.

سوسار، چين - چين

كؤوره لىب، آغلار

اونوندا ايسته كلى، حسره تى

واردير

بويلانير يوللارا هر آخشام سحر

فيكرى پريشاندير، ساچى پريشان

نهدير وارليغي چولغالايان درد؟

اونوندا منيم تك اورهينى شان - شان

تبريز، ارك قالاسى، يالقيز بير

چينار

گله نى قارشيلار گنده نى ايزلر.

قلبينده، كؤكسونده سونسوز انتظار

بويلانير يوللارا يولومو گؤزلر

حكيمه بلورى

مناجات

”شيخ صفى الدين اردبيلى نين“ قارا مجموعه سينده ن

الهي!

نئيلرم اول سيري كي، اسراري يوخ

نئيلرم اول روحو كي، انواري يوخ

نئيلرم اول دردى كي، درد عشقى يوخ

نئيلرم اول ذكرى كي، سوز و عشقى يوخ

نئيلرم اول ركوعو كي، خضوعو يوخ

نئيلرم اول سجودو كي، خشوعو يوخ

نئيلرم اول تكبيرى كي، تكريم سيز اول

نئيلرم اول قيامى كي، تعظيم سيز اول

نئيلرم اول وضوعو كي، نورسوز اول

نئيلرم اول طاعتى كي، حضور سوز اول